

Evolution of Feminism in Saudi Novels from Theory to Practice:

A Case Study of the Novel "*Ontha al-Aankaboot*" (Female Spider)

Behnam Farsi*

Zahra Esfandiary**

Abstract

Feminism is a school of thought that has been found to restore the oppressed rights of women and establish equity with and sometimes supremacy over men. After its pervasion in Western countries, the phenomenon slipped through such Muslim nations as Saudi Arabia. In her novel "*Ontha al-Aankaboot*" (Female Spider), Qumasha al-Ayan, a Saudi Arabian author, addresses women's problems and the challenges facing feministic movements in her country. Using a descriptive-analytic method, this study aims to firstly investigate the differences between the social structures of western and Islamic countries regarding feminist approaches and secondly to demonstrate the obstacles against the advancement of the feminist movement in Saudi Arabia to discuss social problems women face in that society with emphasis on the afore-mentioned novel. As the study results show, the Industrial Revolution and the subsequent need for women's workforce induced feministic feelings in Western countries. In contrast, such feelings have not found the opportunity to develop in Islamic nations, specifically in Saudi Arabia, since

* Assistant Professor in Arabic Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran, (Corresponding Author) Behnam.farsi@yazd.ac.ir

** M.A in Arabic Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran, z.esfandiary68@gmail.com

Date received: 24/06/2022, Date of acceptance: 29/10/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

there is not only a fundamental conflict between Islam and feminism but also the normalization of patriarchy in these countries. Moreover, the male-oriented interpretation of laws in some Arab Muslim countries has limited women in different areas.

Keywords: Islam, Feminism, Man-oriented laws, Saudi Arabia, patriarchy.



فمینیسم و رمان‌های سعودی از نظریه تا تطبیق^۱ (با نقدی بر رمان «أنثی العنكبوت») (عنكبوت ماده)

بهنام فارسی*

زهرا اسفندیاری**

چکیده

فمینیسم، مکتبی است که در راستای بازیابی حقوق از دست‌رفته زنان شکل گرفته و بر پایه برابری و گاهاً برتری زنان نسبت به مردان بوده است. پس از اوج‌گیری این پدیده در کشورهای غربی، اندیشه‌های آن در کشورهای اسلامی به‌ویژه عربستان نیز گسترش یافت. «قماشة العلیان» نویسنده سعودی، در رمان خود «أنثی العنكبوت»، به بیان مشکلات زنان و چالش‌های پیش‌روی جریان فمینیسم در کشور خود پرداخته است. این پژوهش به‌روش توصیفی-تحلیلی، در پی بررسی تفاوت‌های میان ساختار اجتماعی کشورهای غربی و اسلامی در رابطه با توجه به رویکردهای فمینیستی بوده و ضمن کشف و تبیین موانع پیش روی این مکتب در کشورهای اسلامی، خصوصاً عربستان سعودی، معضلات اجتماعی زنان در این کشور را با تکیه بر رمان «أنثی العنكبوت» بیان نماید. نتیجه حاصل این است که آراء فمینیسم به دلیل وقوع انقلاب صنعتی و بالتبع ورود زنان به عرصه کار و فعالیت، مجال ظهور یافت اما این نظرات در کشورهای اسلامی، خصوصاً عربستان، به دلیل اختلاف مبانی دو مکتب فمینیسم و اسلام و عادی‌سازی مردسالاری در این کشورها،

* استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)،

Behnam.farsi@yazd.ac.ir

** کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، z.esfandiary68@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

فرصت بروز و ظهور نیافت؛ هرچند که در این کشور تفاسیر مردسالارانه از قوانین نیز منجر به محدودیت زنان در حوزه‌های گوناگون گشته است.

کلیدواژه‌ها: اسلام، فمینیسم، قوانین مردمحور، مردسالاری، عربستان سعودی.

۱. مقدمه

«فمینیسم» اصطلاحی است که از واژه فرانسوی (famine) مشتق شده و به معنای مبارزه علیه فرودستی زنان نسبت به مردان در خانه و جایگاه سطح پائین آنها در محیط کار، جامعه، فرهنگ و باورهای مردمی است که فعالیت‌های محدود آن در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ به عرصه‌های گوناگون گسترش یافت؛ این مکتب علاوه بر مسائل یادشده، نسبت به فشار مضاعفی که زنان در امر تولید اقتصادی و تولید مثل متحمل می‌شوند، معترض است (تایسن، ۱۳۹۴: ۱۵۳ و خسروشاهی و مؤمنی‌راد، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

مکتب فمینیسم معتقد بود که برتری مردان بر زنان برای توجیه و تداوم سلطه آنها بر مناصب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و دورنگه داشتن زنان از تصاحب این مناصب است (تایسن، ۱۳۹۴: ۱۵۳).

نقد فمینیستی نوعی نقد مؤلف‌گرا است که به دنبال بررسی سه مسأله می‌باشد: ۱. بازیافتن سیمای زن ۲-در کانون قرارداد قهرمانان زن و بررسی این موضوع که اگر نویسنده مطلبی زن باشد متن چه کیفیتی پیدا می‌کند و ۳-اگر خواننده مطلب هم زن باشد در معنای متن تفاوتی ایجاد می‌شود یا خیر (شمیسا، ۱۳۹۴: ۴۳۷).

«قماشة العلیان» یکی از نویسندگان زن سعودی است که در تمام آثار خود، به مشکلات زنان همچون طلاق، ازدواج و غیره در کشورهای عربی پرداخته و در آثارش سعی کرده تا کنار هم جنس خود بایستد و از او زنی قدرتمند بسازد که در برابر هیچ ظلمی تسلیم نشود. این نویسنده‌ی سعودی در رمان خود «أنتی العنکبوت»، ضمن صحبت درباره‌ی جامعه‌ی عربستان و مشکلات زنان در این جامعه، از مسائل فمینیستی نیز سخن می‌گوید.

این پژوهش در پی آن است که تا ضمن بررسی دیدگاه‌های فمینیستی و موانع مختلف بر سر تحقق شعارهای این مکتب در جامعه‌ی مدنظر نویسنده از طریق تحلیل موضوعات و بیان شواهد مثال موجود در متن رمان، به سؤالات زیر پاسخ دهد:

فمنیسم و رمان‌های سعودی از نظریه ... (بهنام فارسی و زهرا اسفندیاری) ۵۱

۱. تفاوت ساختار اجتماعی غرب با کشورهای اسلامی در رویکرد به آراء فمنیسم چیست؟
۲. چالش‌های پیش‌روی اجرایی شدن آراء فمنیسم در کشور عربستان از رهگذر رمان «انثی العنکبوت» کدامند؟
۳. مهم‌ترین مسائل زنان که نویسنده رمان با رویکرد به ساختار اجتماعی عربستان، سعی در تبیین آنها داشته کدامند؟

۱.۱ پیشینه پژوهش

در مورد مسائل مربوط به فمنیسم و تحلیل متون مختلف بر اساس نظریه‌های این مکتب، پژوهش‌های متعددی صورت پذیرفته که ذکر تمامی آنها ممکن نیست و تنها به ذکر چند نمونه از فعالیت‌ها در حوزه‌ی تحلیل متون برپایه‌ی دیدگاه فمنیستی و پژوهش‌های صورت‌گرفته در مورد رمان «انثی العنکبوت» اکتفا می‌شود:

۱. محبوبه مختاری در پایان‌نامه خود با عنوان «سیمای زن در رمان "انثی العنکبوت" اثر قماشه العلیان و "رغبات الشیطانیه" اثر وفا عبدالرحمن الکنهل» (۱۳۹۵)، به بررسی سیمای زن در این دو رمان و مشکلات و مسائل اجتماعی او همچون طلاق، ازدواج و مواردی از این دست پرداخته و بیان می‌کند که زن در این دو رمان در قید و بند سنتی جامعه دست و پا می‌زند.
۲. لادن مرادی در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «نقد دیدگاه‌های اجتماعی فمنیسم از منظر رمان متعهد عربی، بررسی مورد رمان «زینب بنت الأجاوید» اثر خوله القزینی» (۱۳۹۵)، سعی داشته که نظرات و نوع نگاه فمنیسم و اسلام در خصوص مسائل خانواده و اشتغال زنان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی و رمان متعهد عربی بیان نماید و بازتاب دیدگاه‌های فمنیستی در خصوص مسائل زنان در رمان مورد نظر را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.
۳. هند عقیل المیرز در مقاله خود تحت عنوان «المرأة السعودية من التهميش إلى التمكين فی التعليم والعمل» (المجلة العربية للدراسات الأمنية، العدد ۶۸: ۲۰۱۷)، به بیان تاریخچه‌ای از توانمندی زنان در جامعه سعودی طی صد سال گذشته و نشانه‌های توانمندی این بخش از اجتماع در عرصه‌های آموزش و کسب شغل و حرفه پرداخته است.

۴. فرهاد رجبی و فاطمه پرچگانی در مقاله خود تحت عنوان «خوانش فمینیستی - آگزیستانسیالیستی مجموعه‌ی انظرإلیک مرام المصری» (مجله ادب عربی، سال ۱۰، شماره ۱: بهار و تابستان ۱۳۹۷)، ضمن بررسی این مجموعه شعری بر اساس نظریه‌های فمینیستی و آگزیستانسیالیستی «سیمون دوبوار» به این نتیجه رسیده که مقوله‌هایی نظیر دغدغه‌های حضور واقعی زن، بحران هویت، نقش آفرینی زنان و مسأله «خود» از مسائل مشترک میان اشعار «مصری» و نوشته‌های «دوبوار» است.

۵. فاطمه منهوئی در پایان نامه خود با عنوان «نقد فمینیستی «بنات الرياض» اثر رجاء عبدالله الصانع» (۱۳۹۷) با تکیه بر رویکردهای فمینیستی و دیدگاه زن‌محور، به بررسی تصویر زن در این رمان می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که این اثر گواه دغدغه زنانه‌ی نویسنده‌ی آن است و مضمون رمان، مسائل عاطفی-اجتماعی زنان در برابر مردان و جامعه و مسائل و محدودیت‌های زنان در جامعه و حکومت عربستان می‌باشد.

۶. «أثر النسق الثقافي في تشكيل الرواية النسوية العربية بحث في الثيمات و التمثيلات»، عنوان مقاله‌ای به قلم «محمد الشحات» می‌باشد که در مجله هرمس، ش ۷: ۲۰۱۸، به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله، سعی نموده تا رمان‌های فمینیستی عربی را با بررسی نحوه تأثیرپذیری آنها از چیدمان فرهنگی غالب مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

با وجود پژوهش‌هایی از این دست، تاکنون پژوهش مستقلی به بررسی سدهای پیش روی فمینیسم و تحلیل رمان از این منظر نظر نپرداخته؛ این مقاله قصد دارد تا از رهگذر بررسی رمان «أنثی العنكبوت»، موانع و مشکلات پیش‌روی زنان و نظریه فمینیسم برای اعمال در جامعه عربستان را مطرح کند.

۲.۱ خلاصه رمان

خط اصلی داستان، روایت زندگی دختر جوانی به نام «أحلام» است که پدرش را می‌توان نماینده تمام عیار یک جامعه مردسالار به حساب آورد. وی دارای افکاری سنتی نسبت به خانواده‌اش بود و آنان را مورد اذیت قرار می‌داد تا حدی که خانواده‌ی خود را در نهایت از دست داد. أحلام در دوران کودکی خود علاوه بر ستم پدر، شاهد مرگ مادر و ازدواج مجدد پدرش نیز بود؛ اما این رنج‌ها مانع او نشد و به تحصیلات خودش ادامه داد تا این که

مدرک لیسانس خود را در رشته زبان عربی گرفت. احلام دل درگرو فرد دیگری به نام «سعد» داشت و سعد نیز برای ازدواج با او، احلام را از پدرش خواستگاری نمود، اما این اقدام سعد باعث خشم پدر احلام شد و این کار وی را قسمی فساد قلمداد کرد و به درخواست سعد جواب منفی داد؛ اما این پایان ماجرا نبود و احلام به اجبار پدرش تن به ازدواج با پیرمردی تاجر داد؛ با این حال نتوانست این موضوع را تحمل کند و از شدت عصبانیت همسرش را در همان شب ازدواج به وسیله یک عصا به قتل رساند. با وجودی که اصل داستان، روایت زندگی احلام و فراز و نشیب‌های زندگی اوست، اما روایت به افراد دیگری در حاشیه‌ی زندگی احلام، مانند مادر و دوست احلام، سعادت نیز از زبان خود شخصیت اصلی داستان می‌پردازد و مشکلات زندگی آنان را بازگو می‌کند.

۲. مبانی نظری پژوهش

«فمنیسیم» را می‌توان به مجموعه‌ی حرکات و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی که بر تمامی ابعاد زندگی زنان در غرب و کشورهای دیگر تأثیر گذاشته، تعریف نمود؛ هدف این جنبش، محو هرگونه نابرابری براساس تفاوت‌های جسمی و فیزیکی، احقاق حقوق زنان و رفع تبعیض‌های اعمال‌شده بر این بخش از جامعه می‌باشد که بیشتر توسط خود زنان پیگیری می‌شود (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۲۴۸-۲۴۷ و بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۳).

انقلاب صنعتی موجب ایجاد سرمایه‌داری بزرگ، نظم، انضباط و مطامعی جدید گردید؛ از مسائلی که پس از این انقلاب طرح شد، مسأله کار و اشتغال زنان بود که ظاهری انسانی و باطنی مخوف داشت؛ آنان از طریق ترفندهایی مثل بیان مالکیت زن بر دستمزد خویش، تبلیغ این موضوع که زن هم انسان است و دارای حقوقی می‌باشد، بیان این مسأله که زن برای کار در آشپزخانه خلق نشده و نباید کنیز زندگی باشد و ایجاد نفرت علیه زندگی خانوادگی و طرح جاذبه‌های جدید برای جذب او که تمامی این موارد از موضوعات مطرح در مکتب فمینیست است، او را به کار بیرون از خانه دعوت نمودند (کرمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: https://www.civilica.com/Paper-ICCRT01-ICCRT01_0725.html).

فمنیست‌ها آزادی زن و تساوی حقوق او با مرد را مکمل حقوق بشر دانسته‌اند و بر این عقیده هستند که سخن‌گفتن از آزادی و حقوق بشر، بدون تأمین آزادی زن و تساوی حقوق او با مرد بی‌معنی است و تمامی مشکلات خانوادگی ناشی از عدم آزادی و تساوی حقوق

زن و مرد می‌باشد (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۷۱). عدم توجه به مکمل بودن نقش زنان و مردان در اجتماع و ضرورت هماهنگی آنها در جامعه باعث شد تا فمینیست‌ها تصویری خشن و سطله‌گر را از مرد ارائه دهند و برای به‌دست‌آوردن حقوق از دست‌رفته خود، دست به اقداماتی بزنند و از آن سو نیز مردان به اعمال حرکتهای مشابه روی بیاورند (همان: ۷۶).

این مکتب، بر مبنای انسان‌محوری و بهره‌وری هرچه بیشتر از زندگی مادی، خداوند را از جریان دینی بشر خارج نموده تا انسان از این طریق، از قید و بند مسائل دینی و اخلاقی آزاد باشد و مانعی برای لذت‌جویی‌هایش نداشته باشد (گیلانی، ۱۳۹۱: ۱۱۳). با وجود اینکه فمینیسم تعدادی از موانع موجود بر سر راه آزادی زنان را از میان برداشت، اما موانع و مشکلات دیگری را برای جامعه خصوصاً جامعه زنان به‌وجود آورد. در این دیدگاه به این موضوع توجه نشده‌بود که مسائل دیگری غیر از آزادی و تساوی حقوق زن و مرد مهم هستند؛ از نظر آنها «تساوی» با «تشابه» و «برابری» با «هماندی» به یک معنا می‌باشند و انسان‌بودن زن موجب‌شده تا «زن» بودن او فراموش شود (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۷۱-۷۲).

مسئله برابری حقوق زنان و مردان در کشور عربستان، یکی از مسائلی است که در سال‌های گذشته توجه رسانه‌های بین‌المللی را به‌خود جلب کرده و زنان به‌واسطه گسترش شبکه‌های اجتماعی و اینترنت، توانستند دنیایی متفاوت را تجربه کنند و سبب شد تا مسائلی مانند حق رائدگی زنان و اعطای حق رأی به آنها، به‌عنوان مسأله‌ای چالشی در رابطه با حقوق زنان این کشور به‌شمار آید؛ در سال‌های اخیر، تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور موجب تشکیل جریان‌های نوگرایی دینی شد که این گروه‌ها با تحت‌فشار قراردادن خاندان حاکم، اهداف رهایی‌بخش فمینیسم اسلامی را تحقق می‌بخشیدند؛ به‌عنوان مثال؛ در سال ۱۹۷۰ تنها ۱۶.۴٪ زنان بالای ۱۶ سال آن کشور باسواد بودند اما در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۲ این میزان به ۷۳ و ۸۹.۴ درصد رسید (محمدی و حاضری، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۷).

قوانین موجود تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس بر عدم امکان تمایز بین مردان و زنان و وجود حق یکسان برای زنان در مقایسه با مردان تأکید دارد. در ماده ۲۶ فصل پنجم حقوق واجبات در عربستان، به تساوی حقوق زن و مرد اشاره شده‌است (عطارزاده، ۱۳۸۵: ۲۹)؛ این کشور با امضای «قرارداده هزاره» که سومین بند آن «ارتقاء برابری جنسیتی و

توانمندی‌سازی زنان» می‌باشد، تعهد خود را نسبت به برابری جنسیتی در کشورهای خود اعلام نموده است (کولایی و حافظیان، ۱۳۸۵: ۴۲).

با وجود تسلط دائمی مردان بر امور گوناگون این کشور، طی سالهای اخیر فمینیست‌های مسلمان عربستانی، با راه‌اندازی کمپین‌های مختلف، درصدد جانداختن مطالبات زنان در عرف و نزد دولت پدرسالار این کشور هستند؛ اما به دلیل ممنوعیت ایجاد تظاهرات و وجود پیگردهای قانونی، قدرت برگزاری این نوع تجمعات نیز از آنان سلب شده بود. از سوی دیگر نیز نقش تعالیم موجود در این کشور قابل توجه است. موضوع سلطه دائمی مردان به زنان از عواملی است که سبب شده زنان عربستانی شرایط موجود در کشور خود را عادی قلمداد کنند و برای اصلاح آن دست به هیچ اقدامی نزنند (ارجمندی، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

دکتر «صابر بلول» در مقاله‌ی خود با عنوان «توانمندسازی سیاسی زنان عرب-تصمیمات و دستورالعمل‌های بین‌المللی و وضع موجود»، بر این اعتقاد بود که عوامل اقتصادی یکی از مهم‌ترین موانع مشارکت سیاسی زنان در کشورهای عربی است و این وضعیت تحت تأثیر عوامل اجتماعی می‌باشد؛ به سبب وجود این باور که زن دارای اثربخشی کم‌تری نسبت به مرد است و شرایط فیزیولوژیکی و روحی و روانی آنها مانع انجام وظیفه به صورت مثبت می‌شود (همان).

مراکز آماری در کشورهای عربی با استناد به منابع آماری، این موضوع را اثبات می‌کنند که نسبت انزوای زنان تحصیل کرده بالا است؛ مجله «الشراع» لبنان در سال ۲۰۰۷ به این نکته در پژوهش‌های خود اشاره داشته که نسبت حاشیه‌نشینی زنان در جهان عرب بیش از ۵۰٪ در میان کل زنان عرب است (همان). براساس گزارش سال ۲۰۱۰ خانه آزادی، در عربستان سعودی با زنان به‌عنوان اعضای یکسان در جامعه برخورد نمی‌شود و قوانین تبعیض‌آمیز متعددی درمورد آنها اعمال می‌گردد (پهلوانی و گلستانی، ۱۳۹۵: ۱۲۵). «سهی الجندی» در پژوهش خود با عنوان «واقع المشاركة السياسية للمرأة العربية» (میدل ایست آن‌لاین: ۲۰۱۳) به این موضوع اشاره داشته که مشکل زنان خاورمیانه، نوع نگاه به آنها است و انقلاب‌های سیاسی و تحوّل نگرش‌های اجتماعی، به شرط تغییر این رویکرد قادر به حل مشکلات هستند.

می‌توان به این نتیجه رسید که به دلیل تسلط احکام اسلامی و افراط در رعایت برخی از این احکام توسط نظام حاکم بر جامعه عربستان سعودی، آراء فمینیستی در این جامعه

به‌صورت واقعی رواج نیافته و زنان در این اجتماع هنوز نتوانستند به آزادی‌های مد نظر رویکردهای فمینیستی دست پیدا کنند. البته در سال‌های اخیر با اصلاح بعضی از قوانین این کشور، آزادی‌های محدودی برای زنان در تعدادی از مسائل ایجاد شده، اما این آزادی‌ها با نقطه ایده‌آل فاصله‌ی بسیاری دارد.

۳. فمینیسم و سدهای پیش روی آن

فمینیسم به‌عنوان یک مکتب مردستیز و مدافع حقوق زنان، در کشورهای مختلفی رشد و گسترش پیدا کرد و حامیان فراوانی را به خود جذب نمود؛ اما این مکتب برای حضور در کشورهای اسلامی خصوصاً عربستان سعودی با موانع گوناگونی مواجه شد که در ادامه به شرح آنها پرداخته می‌شود:

۱.۳ دین اسلام

دین اسلام از نخستین مکاتبی به‌شمار می‌رفت که برای زن ارزش و جایگاه خاصی قائل شده بود و ارزش هر انسانی -سپه مرد و چه زن- را تقوای آنها می‌دانست (فرزاد، ۱۳۹۲: ۱۵۰). «اسلام بر این عقیده بود که زن و مرد هردو از یک جوهر انسانی آفریده شده‌اند و در تشکیل خانواده‌ها، اجتماع و بقای نسل سهیم هستند» (حسینی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴). این دین ایفای نقش‌های اجتماعی برای زنان را ممنوع نکرده و در آیات قرآن کریم و سیره پیامبر (ص)، برای زن و مرد حقوق جداگانه‌ای قائل شده و هرکدام را به رعایت حقوق دیگری سفارش می‌کند. اما برخی حضور زن برای ایفای نقش‌های اجتماعی را نوعی انحطاط اخلاقی می‌دانند (شفیعی و اخباری، ۱۳۹۴: ۱۱۸ و بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۴).

از نظر اسلام زن سرمایه‌ای است که توانایی تأثیرگذاری بر اقبال جامعه را دارد؛ از این‌رو، پرداختن به مبانی حقوق اسلامی و امتیازبندی مبانی اصیل اسلام نسبت به تمامی مکاتب در عرصه حقوق خانوادگی زنان، امری ضروری است (رامپناهی، بی‌تا: ۳۸۷ و خادمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

با وجود اعتقاد اسلام به برابری زنان و مردان، این دین برای هرکدام از این گروه‌های جنسیتی، حقوق، مجازات‌ها، تکالیف متفاوت و بخصوصی را وضع نموده که این تفاوت‌ها از نظر برخی از مکاتب مانند فمینیست، به معنای نادیده انگاشتن حقوق زنان و تحقیر آنها بوده است. «به عنوان مثال آنها برخی از قوانین و مقررات اسلامی مانند مهر، نفقه، طلاق، تعدد زوجات و... را تحقیر و توهین نسبت به جنس زن می‌دانند» و بر این اعتقادند که دین اسلام دینی مردسالارانه است که برای زنان حقوق شایسته‌ی یک زن را تعیین نکرده؛ باید به این نکته توجه داشت که از نظر اسلام تساوی و تشابه باهم متفاوت است و اسلام اصل مساوات را در مورد این دو قشر رعایت کرده است (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۷۲ و ۷۳).

در رمان، موضوعاتی چون حجاب، ازدواج و کالابودگی زنان و حق مادری، وجوه اختلاف دو مکتب اسلام و فمینیسم قلمداد می‌شوند و اسلام در تحقق شعارهای این مکتب چون مانعی بر سر آن ظاهر می‌شود.

۱.۱.۳ حجاب محدودیت یا مصونیت؟!

حجاب، یکی از وجوه تمایز دو رویکرد اسلام و فمینیسم است؛ در دنیای پیشامدرن به دلیل اعتقاد فطری انسان‌ها به حکم حجاب، نگرش خاصی نسبت به این مسأله وجود نداشت و مسأله‌ای اجتماعی قلمداد می‌شد. اما در دنیای مدرن، پدیده‌هایی نظیر استعمار، جهانی‌شدن، ورود زنان به عرصه‌های عمومی در کشورهای اسلامی و حضور زنان محجبه در کشورهای غربی موجب شد که حجاب به عنوان موضوعی اساسی، محور مجادلات و مباحث اکثر روشنفکران غربی با اندیشمندان اسلامی باشد (مرادی، ۱۳۹۵: ۱۸۶). در مکتب فمینیستی، حجاب شمایی از متفاوت بودن دین اسلام بود که نماد مغلوب بودن زن و ستم علیه آنها در این جوامع به شمار می‌آید و هدف کنترل زنان را دنبال می‌کند تا انزوای آنها را به دست آورد. نظریات فمینیستی مدرن درصدد حذف این وجه به عنوان نماد اصلی دینی پدرسالارانه بودند (مرادی، ۱۳۹۵: ۱۸۶ و احمدی و همکاران: ۱۳۸۸: ۱۹۰). در حالی که براساس آیات قرآن کریم، حجاب و پوشش زن نه تنها بند و حصار محسوب نمی‌شود بلکه نشانه‌ای از حرمت و حیثیت زن و موجب مصونیت او است (گیلانی، ۱۳۹۱: ۹۰).

در رمان، به مسأله حجاب اینگونه پرداخته می‌شود: شخصیت اصلی داستان با وجود اینکه تصادف کرده و کیف و کفش ندارد:

تلفتٌ حولی باحثةً عن مخرجٍ ولحسن الحظ تذكّرتُ أنه بعد هذا المرتفع الصخري تكمنُ
الهِجْرَةُ التي تعملُ فيها، أي أنها قريبةٌ جداً من القرية، مسافةً كيلومتر واحد أو يزيد فقط لاغير
أحكمتُ عباةً تي الممزقةً حولي ومضيتُ في السير بلا حقيبيّة أوحذاء. (العليان، ۲۰۰۰:

(۱۵۲)

اما سعی داشت تا چادرش را که پاره‌شده بود حفظ کند و خود را از نگاه مردان
در امان دارد. در این جامعه، اجباری بودن حجاب به نوعی نهادینه شده؛ تا جایی که خود
زنان نیز در مواقع ضروری نیز سعی در حفظ حجاب خود دارند و این تصور در ذهن
آنها می‌باشد که بدون حجاب مردان به آنها نگاه می‌کنند و امنیت از آنها سلب می‌شود.

۲.۱.۳ کالابودگی زنان و ازدواج

ازدواج نیز یکی از موارد اختلاف دو مکتب اسلام و فمینیسم به‌شمار می‌آید؛ با وجود
ضروری بودن اجازه پدر برای ازدواج در اسلام، اما این موضوع هیچ تضادی با آزادی دختر
در انتخاب همسر ندارد و رضایت و توافق طرفین مهم است. اسلام بر این عقیده است که
در این امر پدر به عنوان راهنما برای دختر خود نقش ایفا می‌کند و حق تحمیل رأی خود بر
فرزندش را ندارد (قائمی امیری، ۱۳۹۱: ۵۲).

اما از منظر فمینیستی، ازدواج محصول فرهنگ مردسالار قلمداد می‌شود و مردان در این
جوامع، جنسیتی سرکوب‌گرانه دارند. آنها بر این عقیده هستند که ازدواج موجب می‌شود تا
زن در یک جریان روزمره قرار بگیرد و مرد به سبب داشتن قدرت حق انتخاب، خود را
مجاز به نادیده گرفتن سلیقه‌های شخصی زن می‌داند (مهاجری، ۱۳۹۷: ۳۶ و ۸۰).

زن در این‌گونه جوامع، چون برده یا رعیتی است که توسط مردان خانواده و طی یک
قرار داد، چون کالایی به همسری مرد دیگری در می‌آید و پیکرش مورد خرید و فروش و
معامله قرار می‌گیرد (کرامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳ و مهاجری، ۱۳۹۷: ۳۳-۳۲).

به موضوع ازدواج در کشور عربستان، برخلاف قوانین اسلامی پرداخته می‌شود؛
«در جامعه کنونی عربستان، ازدواج تا حد بسیار زیادی همان سیمای سنتی خود را
حفظ کرده» (مهاجری، ۱۳۹۷: ۳۶) و قوانین این کشور درباره‌ی حق مالکیت بر ازدواج زنان
به‌گونه‌ای است که زنان پس از مردان در درجه دوم اهمیت قرار دارند (ارجمندی، ۱۳۹۴:
۸۱). بر اساس بندهای موجود در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کشورها

باید نسبت به تعیین حداقل سن برای ازدواج اقدام کنند (مهرپور، ۱۳۹۲: ۵۳۳). اما در عربستان، تاکنون حداقل سن برای ازدواج دختران تأیید نشده و ازدواج با کودکان خردسال بنابر ملاحظات پولی و مالی و یا قبیله‌ای جایز شمرده می‌شود (ایل زکی، ۱۳۹۶: ۸۵). ازدواج در این کشور «بیش از اینکه رابطه و پیمانی اخلاقی باشد، نوعی مبادله کالا به کالا محسوب می‌شود؛ معامله‌ای که در آن، زن زیبایی و جوانی خود را و مرد دارایی و ثروتش را در میان می‌گذارد» (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۱ و افضل، ۱۳۹۶: ۳۳).

در رمان، وقتی که «سعد» به خواستگاری «احلام» می‌آید، پدرش شروع به تهدیدهای اهانت‌آمیزی می‌کند و این عمل او را فساد می‌داند: «أخذتُ مکانی بینهم لحظات قبل أن أسمع صوتَ أبي و هو يعلو صُراخَةً أَلذی أَخَذَ يترَدَّدُ في أنحاء البيت: إبتتی لیستَ للزواجِ ... إنَّها مخطوبَةٌ، هو یصرُخُ... الفجورُ و الإنحلالُ مکانها لیسَ بیتی، لم یُدنسَ بیتی قبلَ الآن.» (العلیان، ۲۰۰۰: ۱۳۸-۱۳۹) در این مثال، برخلاف قوانین اسلامی، رضایت خود دختر ملاک نیست و پدر بدون مشورت با دخترش رأساً با این ازدواج مخالفت می‌کند.

این مثال نیز مظهر تأییدی بر موضوع اهمیت نداشتن رضایت دختر در ازدواج است: پدر «احلام» قصد دارد تا با ازدواج او با پیرمردی هم سن و سال خودش موافقت کند: «استعدی... زواجک علی ابی علی بعد شهر واحد فقط... لقد طلبک منی مرأت عدیة و الآن فقط سأجیبه لطلبه أبوعلی... إنه الشیخ السبعینی تاجر قطع الغیار، زوج لامرأتین و أب لخمسة عشر ولداً و بنتاً...» (همان: ۱۴۰) حال آنکه دختر اصلاً این فرد را نمی‌شناسد «من هو أبوعلی هذا...» (همان) و به هیچ‌عنوان تمایلی به این ازدواج ندارد «لا یا خالَةَ ... لا یا سعد... أرجوک لا تعدنی إلى هناک أبداً. دعهم یعتقدون بأننی متُ محترقة، فالموتُ أهونُ عندی من أن یزفونی إلى شیخ فی عمر ابی ...» (همان: ۱۵۵-۱۵۶)؛ این ازدواج در نظر او چون خرید و فروش برده‌ای است «... إنه یبیعنی بثمان بخص و یعرض علی بیسطة أن اکفن نفسی للموت للموت القادم...» (همان: ۱۶۸) و مرگ را بهتر از ازدواج با این فرد می‌داند. در این نمونه‌ها، نظرات اسلام مورد اعتنا نبوده و قوانین رایج عربستان و موضوعات مطرح‌شده در نظریات فمنیستی در این نمونه‌ها قابل مشاهده است.

۳.۱.۳ حق مادری

موضوع «سقط جنین و حق مادری» را می‌توان نمونه دیگری از عقاید فمینیستی دانست که دین اسلام به‌عنوان مانعی بر سر تحقق آن در جوامع اسلامی قرار گرفته؛ فمینیست‌ها برای رسیدن به شعار احقاق حقوق زنان، حق طبیعی مادر بودن را انکار کرده و آن را نشانه‌ای از بردگی می‌دانند (فخاری، ۱۳۹۵: ۱۶۹) سیمون دوبووار معتقد بود که تولیدمثل، کارکردی صرفاً طبیعی و حیوانی است که با امکان رشد و تعالی زن منافات دارد (بستان‌نجفی، ۱۳۷۹: ۶۹) و نقش مادری ریشه فشار بر قشر زنان و نوعی خدمت عاطفی به مردان می‌باشد که سبب می‌گردد تا زنان مجبور به انجام کاری یکنواخت و ملال‌آور شوند که نتیجه‌اش بازداشتن آنها از مشارکت در جامعه بزرگ‌تر و عدم رسیدن به برابری با مردان است (طائب، ۱۳۹۶: ۱۶۱). آنها بر این اساس که جنین بافت انسانی ناخواسته است، ارزش مادری را تحقیر نموده و کودکان را مانعی برای رسیدن به هدف برابری با مردان می‌دانند. فایرستون معتقد بود که نقش مادری باید از فرهنگ بشری حذف گردد و فمینیسم اجتماعی جایگزین آن شود. این مکتب با تکیه بر نظریات دوبووار، غریزه مادری را نتیجه تربیت سنت‌های پدرسالارانه می‌داند (پاسنو، ۱۳۸۴: ۱۰۰ و ربانی اصفهانی و یزدخواستی، ۱۳۹۴: ۱۲۹). پیروان این مکتب در دهه‌های گذشته تلاش‌هایی جدی برای آزادسازی سقط جنین در میان جوامع انجام داده‌اند؛ سردمداران این نظریه از جمله دوبووار، با ارائه وضعیت نامطلوب کودکان ناخواسته و مشکلات آنها، غیراخلاقی بودن سقط جنین را رد می‌کنند؛ آنها عدم وجود اجازه برای سقط جنین را نوعی ستم جنسی دانسته و بر این اساس که کنترل باروری و سقط جنین قانونی امکان مادری آزادانه را به زن اعطا می‌کند و آنها را در کنترل بدنشان آزاد نگه می‌دارد، بر وجود این قانون برای زنان اصرار می‌ورزند. (کرامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳، دوبووار، ۱۳۸۰: ۳۴۰ و بستان‌نجفی، ۱۳۷۹: ۶۹)

اما این نگرش فمینیستی به جای حل مسأله اقدام به پاک‌کردن صورت مسأله نموده است. (رشاد، ۱۳۷۹: ۳۷). اسلام با وجود مخالفت با آزادی بی‌قید و شرط این مسأله به جهت اینکه جنین نفس محترمه می‌باشد و سقط آن علاوه بر غیراخلاقی بودن، عوارض و پیامدهای زیان‌باری را برای مادران به‌دنبال دارد، (کرامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۲) آن را حرام ندانسته و تنها در زمانی مجاز می‌داند که ادامه بارداری موجب وارد آمدن ضررهای جبران‌ناپذیر به مادر شود و این مسأله به تأیید پزشکان برسد؛ در غیر این صورت انجام

سقط جنین حرام و گناهی بزرگ است که مجازاتی در پی دارد (کهریزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱).

نرخ باروری در کشور عربستان از سال ۲۰۰۶ به بعد از ۲۱٪ به ۳۴٪ رسیده (ارجمندی، ۱۳۹۴: ۱۱۸) که این موضوع را می‌توان نشان از تأثیر فرهنگ فمنیستی بر جامعه‌ی عربستان دانست. در این کشور، سقط جنین زمانی مجاز است که ادامه‌ی بارداری برای مادر خطری داشته باشد و این عمل تنها راه نجات مادر به حساب بیاید؛ اما این عمل تنها تا ۴ ماهگی بارداری مجاز بوده و رضایت شوهر (یا قیّم او) برای انجام این کار الزامی است. طبق آمار در سال ۲۰۰۶، تنها پنج نفر مقیم عربستان سقط قانونی انجام داده‌اند که هر پنج نفر آنها در کشورهای دیگر اقدام به سقط جنین کردند. با توجه به این قوانین محدودکننده، در این کشور هر ساله تعداد زیادی سقط جنین غیرقانونی انجام می‌شود (رستمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۵).

در رمان به مسأله سقط جنین این گونه پرداخته شده است:

لم أتحمّل الأملَ و هو يتحول إلى وهمٍ و سراب، طفلي المنتظرُ يتمزقُ إلى أشلاء يحويها الترابُ جَننتُ افتعلتُ مشاجرةً مع الطيبِ أتهمهُ فيها بتعمده إجهاضَ زوجتي حاول أن يفهمني و أن يشرح لي، لكنني صددته وتطور النقاشُ إلى أن إتهمته بسرقة الأدوية من صيدلية المستشفى وبيعها (العليان، ۲۰۰۰: ۱۳۰).

در این نمونه، با وجود انجام سقط جنین، زن این عذاب وجدان را پیدا می‌کند که جنایت کرده و همسرش نیز با شدت نسبت به این موضوع عکس العمل نشان می‌دهد و پزشک را مقصر اصلی این اتفاق قلمداد می‌کند. می‌توان گفت که مردان با غلبه تفکر فمنیستی در جامعه خود، نسبت به این موضوع واکنش شدیدی نشان نمی‌دهند اما در جامعه اسلامی خصوصاً عربستان، این موضوع برای مردان غیرقابل گذشت و بخشش است و نسبت به آن واکنش‌های عصبی شدیدی نشان می‌دهند.

۲.۳ سوء برداشت مردان از قوانین اسلامی و مردانه‌بودن قوانین عربستان

مردسالاری در معنای عام، به «رقابت‌های سخت از سوی مؤسسه یا غیر آن بر دیگری به‌منظور تحقق بخشیدن به مصلحت اطلاق می‌شود» (بلاوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳۷) اما

این مفهوم در معنای خاص خود، به بیان «ارتباط سلطه‌گری یا تسلط میان کشورها یا طبقات اجتماعی» می‌پردازد که این تعریف از مردسالاری، اغلب در حیطه‌های نقد مارکسیستی، مردسالاری و فمینیستی مطرح می‌باشد. (همان) در جوامع مردسالار، مردان صرفاً به این جهت که مرد متولد شده‌اند، عصبانیت، عصیان و سرزنشگری را حق مسلم خود دانسته و به همین دلیل، هرگونه که بخواهند به خود اجازه‌ی رفتار در مقابل زنان را می‌دهند. (همان: ۲۴۱) عربستان تنها کشوری است که در قانون اساسی برابری زن و مرد را نپذیرفته و زنان از بیشترین تبعیض‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار هستند. سرشت مذهبی دولت عربستان سعودی، حقوق زنان را در چارچوب مبانی فقهی به رسمیت می‌شناسد و مفتی‌های عربستان، تعیین مسائل مربوط به زنان را در اختیار دارند (محمدی و حاضری، ۱۳۹۵: ۱۷). در این کشور مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در این کشور مجاز نیست و با درخواست زنان برای انجام این مشارکت‌ها براساس قانون مقابله می‌شود (گودوین، ۱۳۸۳: ۱۹-۱۸). زنان عربستانی به دلایل ۱-عدم تصریح برابری زن و مرد در قانون اساسی و سخت‌گیری شدید نهادهای حکومتی پدرسالار علیه زنان، ۲. مخالفت اکثریت مردم عربستان با برابری زنان با مردان و اعتقاد بر وجود برخی از محدودیت‌ها برای زنان، از وضعیت حقوقی مناسبی برخوردار نیستند (ارجمندی، ۱۳۹۴: ۶۴). هالیدی نیز در کتاب «عربستان بی سلاطین» به این موضوع اشاره دارد که در کشورهای خلیج فارس، زنان تحت سلطه حاکم کشورها به‌عنوان حاکم سیاسی، سلاطین قبیله‌ای که شیوخ می‌باشند، سلاطین مذهبی که مفتی‌ها و رؤسای مذهبی هستند و سلاطین خانواده که پدر، شوهر و برادر در این دسته قرار می‌گیرند هستند. (پهلوانی و گلستانی، ۱۳۹۵: ۱۲۴)

«خانه آزادی در گزارش سال ۲۰۱۰ خود، به این نکته اشاره کرده که زنان عربستانی به‌شدت از خشونت خانگی، بی‌سوادی گسترده و امکانات نامناسب بهداشتی در عذاب هستند» و بنابر سنت و قوانین موجود در زندگی روزمره خود با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و قربانی سیستماتیک در تمامی عرصه‌های اجتماعی هستند (کریمی، ۱۳۹۰: ۷۳).

این کشور با وجود تعهد نسبت به اعمال وضعیتی برابر برای زنان و مردان، از نظر شاخص‌های شکاف جنسیتی رتبه ۱۲۷ را دارد. وضعیت زنان عربستانی از نظر پژوهشگران

علوم اجتماعی، به نظام تبعیض نژادی آفریقایی جنوبی شبیه است. (مصری، بی‌تا: <http://anthropology.ir/article/22954.html> و ارجمندی، ۱۳۹۴: ۸۱)

بر اساس موارد صریح اعلامیه حقوق بشر، زنان نیز همانند مردان حق رفتن به دادگاه و احقاق حقوق خود را دارند؛ اما در جامعه عربستان تبعیض جنسیتی به حدی است که آنان از پیگیری و شکایت در قبال خشونت‌هایی که علیه آنها اعمال می‌شود، صرف‌نظر می‌کنند؛ زنان عربستانی به تنهایی حق شکایت و حضور در دادگاه را ندارند و دادگاه تا زمانی که زن عربستانی از قیم خود اجازه‌ای نداشته‌باشد، به شکایت او رسیدگی نمی‌کند. عدم صدور کارت شناسایی برای زنان، وابستگی آنها را به مردان بیشتر کرده است. آنها حق افتتاح حساب، ثبت‌نام فرزند در مدرسه و گرفتن کارنامه او و یا سفر با کودک خود را نداشتند و بر اساس قانون از اشتغال در مشاغل چون قضاوت، فروشندگی و وکالت محروم بودند. اما پس از تلاش‌های فمینیست‌های اسلام‌گرا، در سال ۲۰۰۹ دولت عربستان اجازه داشتن تلفن همراه، کارت شناسایی مستقل و انتقال دارایی‌های زنان را در دفاتر رسمی صادر نمود و در سال ۲۰۱۱ نیز مجاز به داشتن گواهینامه رانندگی شد و در سال ۲۰۱۳ به شرط حضور یکی از محارم اجازه رانندگی کسب کرد (گودوین، ۱۳۸۳: ۱۹-۱۸) ولی برخی از موضوعات مانع از اجرای کامل تمام این دستورات شده است.

طبق گزارش‌های بین‌المللی، با وجود تعهد عربستان به عدم اعمال شکنجه و رفتارهای ظالمانه در زندان در سال ۱۹۹۷، زنان زندانی این کشور وضعیت مساعدی ندارند (ایل‌زکی، ۱۳۹۶: ۸۳).

این سوء برداشت مردان از قوانین اسلام، باعث شده تا زنان در عرصه‌های مختلف به مردان وابسته باشند و هر نوع تحقیر از جانب آنها را تحمل کنند، بدون اینکه اعتراض آنها به نتیجه‌ای برسد. در رمان مشکلات زنان در مسائل مختلف قابل مشاهده است که نویسنده از این طریق سوء برداشت مردان از قوانین اسلامی و مردانه بودن قوانین عربستان را بیان نموده که در ادامه شرح آن بیان می‌شود.

۱.۲.۳ اشتغال زنان و وابستگی‌های مالی

اشتغال زنان، یکی از نمونه‌های برداشت غلط از قوانین اسلامی در عربستان است؛ اسلام در این مورد، تنها به اعمال محدودیت‌های اندک که به دلیل تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و

عفت عمومی ممکن است بر اشتغال زنان تأثیرگذار باشد بسنده کرده و زنان را از جنبه‌های دیگر با مردان برابر می‌داند و به آن‌ها اجازه انجام فعالیت‌های مختلف مشروط به عدم تغییر در طبیعت زنانه آنها، منع نشدن از تربیت فرزندان و نگهداری خانواده را داده است (بستان نجفی، ۱۳۷۹: ۹۴ و عبدالخانی و بحرینی، ۱۳۹۴: ۱۲۲). همچنین درباره کار زنان در خانه بر این اعتقاد است که به هیچ وجه انجام کار خانه وظیفه زن نیست و هیچ‌گونه تحمیلی در مورد انجام کار خانگی نباید وجود داشته باشد. فقهای اسلامی بر این عقیده اند که «زن وظیفه ندارد که کارهای خانه را انجام دهد، مگر به میل خود» (کهریزی و مرادی، ۱۳۹۴: ۲۸ و بنیان، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

اما فمینیست‌ها با برجسته‌سازی بحث اشتغال زنان، این تفکر را رواج دادند که اگر زن می‌توانست هم ثروتمند باشد هم مستقل، اهمیت نگران‌کننده‌ای برای نظام مردسالار می‌یافت (دوبوار، ۱۳۸۰: ۱۰۱) و فرودستی و وابستگی اقتصادی یکی از عوامل اساسی اجبار آنها به ازدواج نیز به‌شمار می‌آید. از نظر آنها تنها روش دستیابی به برابری اقتصادی زنان با مردان، کسب درآمد توسط زن به‌واسطه اشتغال تمام وقت در خارج از خانه است و زن و مرد باید استقلال اقتصادی خود را حفظ نمایند (کهریزی و مرادی، ۱۳۹۴: ۲۵ و گراگلیا، ۱۳۸۳: ۸۷/۲). از نظر فمینیست‌ها، استقلال و آزادی زنان تنها با سهیم‌شدن در کار تولید قابل دستیابی است (کرامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴). آنها کار خانگی را وسیله‌ای برای استثمار زنان می‌دانند که ارزش کمتری نسبت به فعالیت اقتصادی دارد و زنان را محکوم به عقب‌ماندگی می‌کند؛ (خسروشاهی و مؤمنی‌راد، ۱۳۹۴: ۱۲۹). از نظر فمینیست‌ها، محیط خانه برای زنان، جایگاه اصلی مبارزه است تا آنها از این طریق بتوانند برای کاری که انجام می‌دهند دستمزد مطالبه کنند (مهاجری، ۱۳۹۶: ۶۰).

در جامعه عربستان، اشتغال زنان ممنوع نیست، اما برای اشتغال آنها نیز قوانین سخت‌گیرانه‌ای وضع شده که زن به سختی و با رعایت این قوانین می‌تواند مشغول به کار شود؛ اشتغال زنان عربستانی در هر شغلی به‌جز شغل پرستاری و آموزش ممنوع است؛ آموزش نیز محدود به کلاس‌های دختران می‌باشد و به اجازه‌ی همسر و مجوز وزارت امور اسلامی احتیاج دارد. زن برای اشتغال خود باید ثابت می‌کند که برای گذراندن زندگی خود، به پول بیشتری نیاز دارد و محل کار آنها باید در محیط خانه باشد که مردان نیز به آن رفت و آمد نداشته باشد، زیرا از نظر علمای وهابی گماردن زن به هرکاری

که باعث ارتباط یا همکاری با مردان می‌شود با شریعت اسلامی در تضاد است و حرام می‌باشد (ارجمندی، ۱۳۹۴: ۸۱ و ایل زکی، ۱۳۹۶: ۹۲). بنابر گزارش وزارت دارایی عربستان سعودی، نزدیک ۶۰٪ سرمایه‌گذاران در بورس و ۴۰٪ سرمایه‌گذاران در بخش مستغلات را زنان تشکیل می‌دهند و تنها ۱۴٪ نیروی کار آن کشور را شامل می‌شوند؛ این در حالی است که دستمزد دریافتی آنها نیز در مقایسه با مردان با تبعیض مواجه است و میانگین حقوق آنها طی سال‌های (۲۰۰۶ تا ۲۰۰۴) چندین بار کاهش یافته است (علوی لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۹-۲۸). در واقع می‌توان گفت که در عربستان سعودی، نوعی زن‌ستیزی قانونی رواج دارد که طی آن، مردان به-واسطه برخی از قوانین و دستورالعمل‌های ناعادلانه، سعی در سلطه بر زنان داشته‌اند (بلاوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴۴)

در رمان، همسر «سعاد» به عنوان نمونه‌ای از مردان جامعه مردسالار و شخصیتی سرکوب‌گر ظاهر شده است: «و زوجی بعد الطلاق لیبقینی فی بینه دقیقه واحدة، فهو أبخل رجل فی الوجود. إنه یسبقینی الآن لأننی أمثل له خادمة بدون أجر و مریة لأطفاله...» (العلیان، ۲۰۰۰: ۱۱۶) در این نمونه، زن ناچار به اطاعت از همسر خویش است و بنابر فرهنگ موجود، جایگاه فرودست خود نسبت به مردان، عدم توانایی در تعیین سرنوشت خود و نقش خانه‌داری و تربیت فرزندان بدون دریافت هرگونه مزدی را پذیرفته است. در «فی ضباب آلامی و أوهامی، جاءتني زوجة أبي و شقیقتی بدریة یعلنان لی بأن أبي قد عفا عنی و سمح لی بالعودة إلى عملی بشرط الالتزام بكل قوانینه بحر فیتها» (همان: ۱۷۲)، به موضوع اشتغال زنان در جامعه سعودی، موانع موجود بر سر این هدف و قوانین سخت‌گیرانه اشتغال در این کشور اشاره دارد. او به این موضوع اشاره دارد که پدرش تنها در صورتی با اشتغال و بازگشت او به عرصه کار موافقت می‌کند که تمامی قوانین و مقررات اشتغال در آن کشور را رعایت کند.

۲.۲.۳ زن و تعدد زوجات مرد

در دیدگاه اسلام، هرکسی اجازه ندارد تا همسران متعددی را اختیار کند و تعدد زوجات مشروط به عدالت مردان است. منظور از عدالت، عدالت در رفتار که عدالت در نفقه، اظهار تمایل، رفت و آمد و حضور در منزل از مصادیق آن به‌شمار می‌آید و بایستی توسط

مرد مراعات شود. این شرط، مقام دست نیافتنی نیست که به‌خاطر آن بتوان تمام مردان را از ازدواج مجدد بازداشت (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۸۵ و حسینی، ۱۳۸۹: ۱۳۱).
در جامعه سنتی عربستان، اکثر ثروتمندان بیش از یک همسر اختیار می‌کنند و درحقیقت،

تعدد زوجات مسأله‌ای است که هر زنی در این کشور باید آن را به‌عنوان یک اصل بپذیرد و در هر شرایطی تحمل زنان مختلف از کشورها و فرهنگ‌های متفاوت در محیط خانه را وظیفه خود پنداشته‌اند؛ به‌حدی که گویی تعدد زوجات از اصول دین شمرده می‌شود و اعتراض به آن برابر اعتراض به قانون خداوند است (عبدالله‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

در رویکرد فمینیستی، این موضوع به صراحت تقبیح شده؛ دوبار، هرگونه رابطه زن و شوهری را به بهانه‌ی تحقیر زنان رد می‌کند و ظهور مالکیت خصوصی و پدرتباری از نظر انگلس در خانواده، تک همسری را توجیه می‌کند و مردان نیز باید مانند زنان تک همسری را پیشه کنند؛ در آراء فمینیستی، سلطه مردانه در دو شکل پدرتباری و پدرسالاری، صرفاً نتیجه‌ی تقسیم طبقاتی میان مرد صاحب دارایی و زن فاقد دارایی است. (تانگ، ۱۳۸۷: ۸۸)
در متن رمان راوی به این موضوع اشاره می‌کند که پدرش با ازدواج مجدد با دختری جوان، مادرش را تحقیر نموده «تزوج اُبی... تزوج بفتاة صغيرة لا تتجاوز سنّها العشرين عاماً...» (العلیان، ۲۰۰۰: ۱۵)، اما مادر خانواده تحمل خودش را از دست می‌دهد و قصد ترک خانه را دارد:

...هتفت اُمی بعصیبتہ: إلی الجحیم... لکننی لن أنتظر دقيقة واحدة فی هذا البيت... فتح اُبی الباب بهدوء ثم وقف لحظة یقیس موقف قبل أن یقول: أعبدی الحقیبة إلی مکانها یا أم صالح... وکونی هادئة وطیبة فلن تخرجی من بیتک إلا إلی القبر... (همان: ۱۶).

اما مرد در برابر عصبانیت وی، با خونسردی او را از رفتن منع می‌کند و تنها جای مجاز برای وی را پس از خانه، قبر می‌داند. در واقع مردخانواده این عمل خود را حق قانونی و مسلم خود دانسته و عصبانیت همسرش را درک نمی‌کند. در واقع این کار پدر خانواده خیانتی در حق مادر احلام شمرده می‌شود که این خیانت به آزار و اذیت روحی زنان در

این مورد مادر احلام- منجر شده و این تأثیر منفی به حدی است که زن دچار اختلال روانی شده و این بی توجهی را توهین و تحقیر خود به‌شمار می‌آورد.

۳.۲.۳ حق تحصیل

وجود اجازه تحصیل و آموزش را می‌توان یکی از مصادیق مردانه‌بودن قوانین کشور عربستان دانست؛ در جامعه سعودی، زنان به شدت از نظر قانونی با تبعیض‌های موجود در عرصه‌های آموزش و تحصیلات دست و پنجه نرم می‌کنند. تلاش فعالان حقوق زنان در عربستان و سازمان‌های بین‌المللی برای بهبود وضعیت آموزش دختران غیرقابل انکار است؛ طبق ماده ۱۵۳ سیاست آموزشی عربستان سعودی، هدف از آموزش دختران، انتقال احکام واقعی اسلام برای پرورش زنان خانه‌دار و مادران دلسوز عنوان شده؛ با این وجود هنوز هم زنان حق حضور در مکان‌های عمومی را ندارند (گودوین، ۱۳۸۳: ۴۳). تا سال ۲۰۰۰ تحصیل دختران در این کشور، منوط به اعلام رضایت و اجازه ولی بود که سبب شد تا بسیاری از دختران در سنین پایین از تحصیل دست بکشند. اما کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان این شرط را ناقص ماده ۲۹ تعهد نامه عنوان نمود (گودوین، ۱۳۸۳: ۴۳) و بستری برای آموزش و تحصیل زنان فراهم شد. با این وجود، طبق آمار دولت سعودی، ۵۵٪ دانش‌آموزان ابتدایی، ۷۹٪ دانش‌آموزان متوسطه و ۸۱٪ دانش‌آموزان دبیرستان را پسر تشکیل می‌دادند (ایل زکی، ۱۳۹۶: ۹۱) و طبق آخرین آمار تا سال ۲۰۱۱، ۵۱.۳٪ دانش‌آموزان این کشور را دختران تشکیل می‌دادند (المیزر، ۲۰۱۷: ۱۴۶).

در رمان، سعاد با همسر پدرش اختلاف داشت و این اختلافات منجر به محروم شدن وی از تحصیل توسط پدرش شد تا هیچ اطلاعی از حقوق خود نداشته باشد و به راحتی بتواند به او ستم کند و او را مجبور به تسلیم در برابر خود نماید؛

شقیقتی سعاد دائمة الخلاف مع زوجة أبي علي كل صغيرة وكبيرة. عنادها الدائم أودي بها إلى الحرمان من الدراسة و زواج غير متكافئ في مدينة بعيدة دون أي إعتراض من أحد فقد خنقت كلمة (لاحول ولا قوة الا بالله) إلى الابد. (العلیان، ۲۰۰۰: ۲۲)

زیرا «در صورتی که زن آگاه و بر «نه» گفتن توانا شود، پایه‌های نظام پدرسالاری و مشروعیت آن می‌لرزد.» (شرابی، ۱۹۸۷: ۹)

پس از بررسی مصادیق مطرح شده در رمان با تکیه بر نظرات فمینیستی، می‌توان به این جمع بندی رسید که این نوع از سلطه و مردسالاری که نمونه‌هایی از آن در رمان نیز گذشت را می‌توان مصادیقی برای بیان موضوع زن ستیزی عاطفی دانست؛ در این نوع از زن‌ستیزی، بیشتر روان زنان مورد هدف و تهدید توسط مردان قرار می‌گیرد.

۴. نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مطرح شده می‌توان نتایج ذیل را استنباط کرد:

۱- پس از انقلاب صنعتی و اهمیت اشتغال زنان، حامیان اندیشه‌های سرمایه‌داری با طرح مسائلی چون برابری و مساوات بین حقوق زن و مرد و نظراتی مطابق با رویکردهای فمینیستی مانند ستم مردان به زنان و غیره، سعی در جذب این بخش از جامعه برای حضور در مشاغل مختلف نمود. رویکردهای فمینیستی با حذف خدا و رویکرد معنوی و دینی، زنان را برای انجام بسیاری از کارها آزاد گذاشته و هرگونه دخالت و ایجاد مانع را مردود می‌دانستند. کشورهای اسلامی به سبب حاکمیت قوانین اسلام بر آنها، قادر نبودند تا قوانین بی حد و مرز فمینیستی را بپذیرند و آنها را در جامعه خود رواج دهند؛ این موضوع نیز قابل توجه بود که برخی از کشورهای اسلامی مانند عربستان سعودی، تفسیر متفاوتی از قوانین اسلامی داشتند که سبب محدودیت بیش از حد بانوان در این کشور شده بود.

۲- نویسنده رمان «انثی العنکبوت»، سعی نموده تا با بیان مطالبی، سدهای موجود بر سر آزادی زنان و اعمال نظرات فمینیستی در این کشور را بیان نماید؛ دین اسلام، خودباختگی زنان، مردانه‌بودن قوانین عربستان و سوء برداشت مردان از قوانین اسلامی و رایج در کشور عربستان، از جمله سدهای موجود در این کشور است.

۳- «قماشة العلیان» در داستان خود با توسل به ساختار اجتماعی عربستان و بیان نمونه‌های مختلفی، به معضلات گوناگون زنان چون حق تحصیل، حجاب، ازدواج، سقط جنین و اجازه‌ی اشتغال در کشور خود پرداخته است و ستم‌های روا شده بر زنان در این کشور را به مخاطب خود نمایش می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله بر اساس شیوه‌نامه دوره قبل ارزیابی شده و پذیرش گرفته است و براساس شیوه‌نامه جدید لزوماً مورد قبول نیست.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

احمدی، حبیب، علی روحانی و محسن زهری، (۱۳۸۸)، «تیین واقعیت اجتماعی حجاب از منظرگاه فمینیستی مدرن و پست مدرن و آراء اندیشمندان اسلامی»، بانوان شیعه، سال ۶، ش ۲۰: ۱۸۷-۲۲۰.

ارجمندی، علی اکبر، (۱۳۹۴)، «تحلیل حقوق شهروندی زنان در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس با تأکید بر رویکرد ساختارگرا-کنش‌گرا (مطالعه موردی کویت و عربستان سعودی)»، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه شیراز: واحد بین الملل.

افضلی، علی (۱۳۹۶)، «مطالعه سرمایه‌ی اجتماعی زنان در عربستان بر اساس نظریه پیر بوردیو؛ مطالعه موردی: رمان دختران ریاض»، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت؛ دوره ۶، شماره ۹: ۲۱-۳۹.

ایل‌زکی، اعظم، (۱۳۹۶)، «سایه‌ی وهابیت بر حقوق زنان عربستان»، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال سوم، شماره ۸: ۵۱-۱۰۲.

بستان نجفی، حسین، (۱۳۷۹)، «نابرابری و ستم جنسی در خانواده از دیدگاه اسلام و فمنیسم»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

بلاوی، رسول، مینا غانمی اصل عربی و ناصر زارع، (۱۳۹۹)، «بازتاب مردسالاری در شعر ناریمان علوش»، نقد ادب معاصر عربی، ش ۲۱: ۲۳۳-۲۵۴.

بنیان، فاطمه سادات، (۱۳۸۹)، «مبانی برابری اخلاق زن و مرد در اسلام و فمنیسم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: مرکز پیام نور تهران: دانشکده علوم انسانی.

بهشتی، سعید و مریم احمدی‌نیا، (۱۳۸۵)، «تیین و بررسی نظریه‌ی تربیتی فمنیسم و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی»، تربیت اسلامی، شماره ۳: ۴۱-۸۸.

پاسنو، دایانا، (۱۳۸۴)، فمنیسم، راه یا بی‌راهه، ترجمه محمدرضا مجیدی: پژوهشگاه فرهنگ و معارف.

پهلوانی، الهام و محمود گلستانی، (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر فرهنگ سیاسی زنان کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، شماره ۸: ۸۷-۱۳۷.

تانگ، رزماری، (۱۳۸۷)، *نقد و نظر: درآمادی جامع بر نظریه فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشرنی.

تایسن، لوئیس، (۱۳۹۴)، *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*، ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی، چاپ سوم، تهران: نگاه امروز.

حسینی، رقیه، (۱۳۹۳)، *بررسی فقهی حقوقی اشتغال زنان با رویکردی بر قوانین عربستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج): دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

حسینی‌زاده، سید علی و همکاران، (۱۳۸۹)، «نقد دیدگاه فمینیسم لیبرال در زمینه برابری زن و مرد از منظر قرآن و روایات (مبانی انسان‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی)»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، سال ۵، شماره ۱۱: ۳۳-۵۸.

خادمی، مریم، طاهره سادات نعیمی و سید محمد موسوی مقدم، (۱۳۹۳)، «مقایسه حق ازدواج زن در اسلام و اسناد حقوق بشر»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، سال ششم، شماره ۱۱: ۲۲۹-۲۵۶.

خسروشاهی، قدرت الله و فهیمه مؤمنی‌راد، (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی اشتغال زنان در مکتب اسلام و فمینیسم»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال ۲۱، شماره ۱: ۱۱۷-۱۳۴.

دوبوار، سیمون، (۱۳۸۰)، *جنس دوم*، ترجمه قاسم صنعوی، چ ۲، تهران: انتشارات توس.
ربانی اصفهانی و بهجت یزدخواستی، (۱۳۹۴)، «بررسی کیفی تأثیر فمینیسم رادیکال بر نقش زن در نهاد خانواده و مقایسه آن با تمهیدات اسلام (مطالعه موردی زنان شهر اصفهان)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۶، شماره ۲: ۱۲۵-۱۴۰.

رستمی، سحر و همکاران، (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی قوانین سقط جنین در کشورهای جهان»، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال ۵، شماره ۱۷: ۷۹-۱۱۱.

رشاد، علی اکبر، (۱۳۷۹)، *آسیب‌شناسی فمینیسم*، شماره ۱۷، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

شرابی، هشام، (۱۹۸۷)، *البنیة البطرکیة (بحث فی المجتمع العربی المعاصر)*، بیروت: دارالطبعة.
شغیعی، نوذر و محسن اخباری، (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی نقش زن در سیاست از منظر اسلام و فمینیسم»، *مجله مطالعات میان فرهنگی*، سال دهم، شماره ۲۴: ۹۹-۱۲۵.

فمنیسیم و رمان‌های سعودی از نظریه ... (بهنام فارسی و زهرا اسفندیاری) ۷۱

- شمیسا، سیروس، (۱۳۹۴)، *تقد ادبی*، چاپ دوم، تهران: نشر میترا.
- العبدلخانی، ساجده و محمدجواد بحرینی، (۱۳۹۴)، «جایگاه اشتغال زنان از نظر اسلام»، پژوهش - نامه اسلامی زنان و خانواده، سال سوم، شماره ۵: ۱۱۹-۱۳۷.
- عطارزاده، مجتبی، (۱۳۸۵)، «فمنیسیم و کارآمدی آن در دفاع از حقوق زنان مسلمان خاورمیانه در زمینه اشتغال»، فصلنامه بانوان شیعه، سال سوم، شماره ۹: ۷-۴۶.
- علوی لنگرودی، سید حسین، (۱۳۸۶)، «سهم زنان در بانکداری مردانه عربستان»، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۸۴: ۲۸-۲۹.
- العلیان، قماشه، (۲۰۰۹)، *أنتی العنکبوت*، ط ۷، الرياض: دارالکفاح للنشر و التوزیع.
- فخاری، فهیمه، (۱۳۹۵)، زن در دو مکتب کلاسیسم و رمانتیسیم در پرتو نظریه فمنیسیم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان: پردیس علوم انسانی، دانشکده علوم انسانی.
- فرزاد، نازنین، (۱۳۹۲)، «تحلیل گفتمان مرد در شعر فروغ فرخزاد و غاده سمان»، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، ش ۱۷: ۱۴۹-۱۶۴.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، *نظام حقوقی زن در اسلام*، چ ۴۵، تهران: صدرا.
- منصورزاد، محمد، (۱۳۸۱)، *مسئله زن، اسلام و فمنیسیم*، تهران: نشر برگ زیتون.
- کرامتی، معصومه و همکاران، (۱۳۹۰)، «تبیین ملاحظات جنسی و جنسیتی در رویکرد فمنیسیم اگزستانسیالیست و نقد چالش‌های ارزشی آن بر اساس آموزه‌های اسلامی»، پژوهش‌نامه تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، شماره ۲۸: ۱۴۵-۱۹۰.
- کریمی، کامران، (۱۳۹۰)، «اعطای حق رأی، سناریوهای پیش‌روی زنان در عربستان سعودی»: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- کریمی‌پور و همکاران، (۱۳۹۳): https://www.civilica.com/Paper-ICCRT01-ICCRT01_0725.html.
- کولایی، الهه و محمد حسین حافظیان، (۱۳۸۵)، «نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی»، پژوهش زنان، دوره ۴، ش ۱ و ۲: ۳۳-۶۰.
- کهریزی، مهوش، سیدعلی حسینی‌زاده و حسین بستان، (۱۳۹۳)، «چالش‌های اخلاقی فمنیسیم در فرزندآوری از دیدگاه اسلام و راهکارهای آن»، پژوهش‌نامه اخلاق، شماره ۲۸: ۷-۲۴.
- _____ و علی مرادی، (۱۳۹۴)، «چالش‌های اخلاقی اشتغال زنان برای خانواده (بررسی تطبیقی اسلام و فمنیسیم و ارائه راهکارها)»، پژوهش‌نامه اخلاق، شماره ۲۸: ۲۳-۴۰.
- گودوین، ویلیام، (۱۳۸۳)، *عربستان سعودی*، ترجمه فاطمه شاداب، تهران: ققنوس.
- گیلانی، نرگس، (۱۳۹۱)، بررسی روابط اجتماعی زن از منظر قرآن و فمنیسیم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم: دانشکده علوم و فنون قرآن تهران.

۷۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۹، آذر ۱۴۰۱

محمدی، نعیم و علی محمد حاضری، (۱۳۹۵)، «تأملی نظری در باب موانع توسعه فمینیسم اسلامی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۷، شماره ۴: ۳-۲۴.

مرادی، لادن، (۱۳۹۵)، نقد دیدگاه‌های اجتماعی فمینیسم از منظر رمان متعهد عربی (بررسی موردی رمان زینب بنت‌الاجاویداثر خولۀ القروینی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مهاجری، مهناز، (۱۳۹۷)، بررسی انگاره‌های فمینیستی در رمان بنات‌الریاض اثر رجاء الصانع و دلان بهشت اثر نازی صفوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مهرپور، حسین، (۱۳۹۲)، نظام بین‌الملل حقوق بشر، تهران: انتشارات اطلاعات.

المیزر، هند عقیل، (۲۰۱۷)، «المرأة السعودية من التهميش إلى التمكين في التعليم و العمل»، المجلة العربية للدراسات الأمنية، المجلد ۳۲، العدد ۶۸: ۱۲۷-۱۵۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی